

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یوری امیلیانوف
برگردان از: ا.م. شیری
۰۴ جون ۲۰۱۶

اسرار بیماری و مرگ ستالین و آغاز کارزار ستالین‌ستیزی

"بخش یازدهم"

شروع هیستری ضد ستالینی

...با نگاهی به گذشته، می‌بینیم که ستالین، حزب و مردم را بدرستی به هشیاری سیاسی و به درک این که متناسب با حرکت به پیش، مبارزه طبقاتی نه تنها فروکش نمی‌کند، بلکه، به عکس، شدت می‌گیرد و این که پیروزیها به نابودی خرابکاران منجر نمی‌شود، فرامی‌خواند. ستالین تأکید می‌کند: "ویژگی خرابکاران کنونی عبارت از این است که آنها کارت عضویت حزبی دارند و با سوءاستفاده از اعتماد سیاسی نسبت به اعضای حزب، با بی‌دقتی سیاسی مردم شوروی بازی می‌کنند". این افکار ستالین تکرار این نظر لنین بود: "الغای طبقات، یک راه طولانی، سخت و همراه با تشدید مبارزه طبقاتی است که پس از سرنگونی حاکمیت سرمایه، پس از نابودی ماشین دولتی بورژوازی، پس از برقراری دیکتاتوری پرولتاریا) خلاف تصور پیروان مبتدل سوسیالیسم قدیمی و سوسیال -دمکراتهای کهنه (همچنان ادامه می‌یابد و همزمان با شدتگیری از بسیاری جهات، فقط شکل خود را تغییر می‌دهد (لنین، مجموعه کامل آثار، جلد ۳۸، ۳۸۷). در این باره که نفی تجربه ستالینی ایجاد جامعه کمونیستی چه عواقبی می‌تواند در پی داشته باشد (در عمل بدان منجر شد) مانو تسه‌دونگ (Мао Цзэдун) و انور خوجه (Энвер Ходжа) در بیانیه مشترک خود تحت عنوان "به مناسبت زاد روز یوسف و یساریونویچ ستالین" به تاریخ ۲۱ دسمبر ۱۹۶۴ نوشتند: "اعمال جنایتکارانه خروشچوف و دستیاران او عواقب طولانی مدت به دنبال خواهد داشت، این اعمال آنها به انحطاط و سپس به نابودی اتحاد شوروی و حزب کمونیست اتحاد شوروی منجر خواهد گردید".

"نوسازی" گوربچوفی (горбачёв) نتیجه مستقیم و مرحله پایانی گزارش خروشچوف بود که "قهرمانان" خود از جنس الکساندر نیکلای‌ویچ یاکولیف (Александр Николаевич Яковлев)، "بیانگر" اصلی اهداف روشن و آشکار "نوسازی" را به عرصه رسانید. اظهارات او را به خاطر آوریم. او در سال ۲۰۰۱، ضمن برشماری فعالیت‌های خود اظهار داشت: "در مراحل اولیه نوسازی ما تا حدی به دروغ‌گوئی، دورویی و حیل‌گری مجبور بودیم. چاره دیگری نداشتیم. ما مجبور بودیم. این هم از ویژگی بازسازی نظام تمامیت‌خواه، از در هم شکستن حزب تمامیت‌خواه کمونیست ناشی می‌شد". و در مقاله مقدمه‌ای بر چاپ "کتاب سیاه کمونیسم" به زبان روسی، یاکولیف می‌گوید: "پس

از کنگره بیستم ما در محفل کوچک دوستان و همفکران نزدیک اغلب مسأله دمکراتیزه کردن کشور و جامعه را مورد مذاکره قرار می‌دادیم. برای تبلیغ "افکار" خود از روش ساده و کوبنده لنینی مثل پتک استفاده می‌کردیم. یک گروه واقعی، نه خیالی اصلاح‌طلبان (البته، به طور شفاهی) این طرح را تدوین کرد: با حمله به ستالین و ستالینیزم می‌توان به اعتبار لنین ضربه زد. پس از آن و در صورت موفقیت، با استفاده از روش پلخانوف (Плеханов) و سوسیال-دمکراسی باید، لنین، آزادیخواهی و "سوسیالیسم اخلاقی" را، به طور کلی، "انقلابیگری" را در هم کوبید. تخریب نظام تمامیت‌خواه شوروی فقط از طریق علنیت و شکستن نظم و انضباط محکم حزبی و پنهان شدن در پشت پرده تکامل سوسیالیسم میسر بود. ضمن بازنگری گذشته، می‌توانم با افتخار بگویم، که تاکتیک‌های حیل‌گرانه و در عین حال بسیار ساده، مکانیزم‌های تمامیت‌خواهی علیه نظام‌های تمامیت‌خواه هستند". این سخنان به توضیح و تفسیر نیاز ندارند. همه چیز به طور واضح و قاطع بیان شده است.

کمیته توسعه جامعه مدنی و حقوق بشر، وابسته به ریاست جمهوری برای نقطه "پایان گذاردن" به ستالین و شوروی کار می‌کند. سرگئی کاراگانوف (Сергей Караганов)، عضو شورای ریاست جمهوری در اجلاس اول ماه فبروری سال ۲۰۱۱ در یکاترین‌بورگ در حضور رئیس جمهور روسیه، طی سخنرانی مبسوط و گسترده خود در خصوص شوروی‌زدانی به صراحت اظهار داشت: "مردم و نخبگان ما در یک صد سال اخیر تقریباً چیزی برای احترام به خود ندارند"، "لازم است تاریخ دوره شوروی کشور ما به عنوان یکی از جنایت‌بارترین دوره‌ها، و اتحاد شوروی به مثابه دولت جنایتکار به رسمیت شناخته شود". پس، اینطور و نه طور دیگر! یعنی به باور جناب کاراگانوف نه تبدیل اتحاد شوروی به ابرقدرت علمی، صنعتی، سیاسی-نظامی، نه کشفیات اتمی، نوترونی، الکترونیکی و کیهانی، نه گشودن راه فضا به روی بشریت، نه پیروزی بر فاشیسم سرمایه‌داری و یا بالاتر از اینها، نه لغو بی‌سوادی، بیکاری و بی‌مسکنی و... هیچ کدام قابل احترام نیستند. می‌بینید که این سرمایه‌داری چه اعجوبه‌هایی تربیت کرده است! برای ما فقط روشن کردن چگونگی واکنش مردم در مقابل این هیاهوی "پیرانگر" و اساساً، علیه ستالین، این هیولای سبیلو باقی مانده است. در اینجا است که بوی گند کار "لیبرال-دمکراتها" در می‌آید. در نظر سنجی تلویزیونی، ناگهان ستالین مقام اول را احراز می‌کند، "نام‌ستالین = نام روسیه"! در نظر سنجی گسترده افکار عمومی در باره این موضوع که اگر در روسیه تصمیم بگیرند بر اساس این سؤال همه‌پرسی برگزار نمایند که: "آیا لازم است طرح مبنی بر شناسایی حاکمیت اتحاد شوروی به عنوان مقصر شروع جنگ جهانی دوم و رژیم جنایتکار که به نسل‌کشی علیه مردم اتحاد شوروی دست زد، به اجرا گذاشته شود"، جواب شما چیست؟ و، تصور کنید: ۸۹٪ هشتاد و نه (و هفت دهم درصد همه رأی‌دهندگان جواب دادند: نه، لازم نیست فقط ۹٪ نه (و شش دهم درصد پاسخ مثبت دادند بلی، لازم است. نظر سنجی‌های متعدد دوره‌های افکار عمومی افزایش مداوم "محبوبیت" ستالین را ثابت می‌کند. هم اکنون بیش از ۵۰ (پنجاه) درصد جمعیت نسبت به ستالین نظر مثبت دارند. معلوم می‌شود حق با وینستون چرچیل (Уинстон Черчилль) بود که در زمان خروشچوف گفت: "خروشچوف جنگ با مرده را آغاز کرد، اما شکست‌خورده از آن خارج شد".

تناقض (در نگاه اول) در این است، که نظام "تمامیت‌خواه" شوروی و اندیشه "تمامی‌خواهی" در اتحاد شوروی در مدت چندین دهه باعث رشد پایدار اقتصادی و توسعه علمی و فرهنگی کشور گردید، اما اصلاحات "دمکراتیک" که از ربع قرن پیش کشور را "فراگرفته"، فقط یک نتیجه داشت: سیر قهقرائی در همه عرصه‌های اقتصادی، علمی، صنعتی، وضعیت بحرانی در عرصه فرهنگ و هنر، تخریب کامل نگرش اخلاقی و رفتاری مردم. بدین معنی، که "دمکراسی"

"می‌کارند"، فقط ویرانی فاجعه‌بار "به عمل می‌آید"، در همین حال نمی‌فهند، که چرا در رژیم وحشتناکی مثل اتحاد شوروی تمامیت‌خواه، همه چیز خوب، مفید و لازم برای مردم افزایش می‌یافت، چند برابر می‌شد؟ ما بلشویکها در این دوره دشوار کشور و مردم، زمانی که پایانی برای تفرقه در میان مخالفان رژیم سرمایه‌داری کنونی متصور نیست، زمانی که انسانهای عادی به طور مرتب به وسیله آگهی‌ها، با وعده ثروتهای افسانه‌ای فریفته می‌شوند، اما در واقع به هیچ کس و هیچ چیز باور نمی‌کنند، چه باید بکنیم؟ یک حس بزرگ و بسیار قوی، حس تعلق به میهن بزرگ و قدرتمند، به مامیهنی که همواره تو را به خاطر دارد، در درون هر انسان وجود دارد، و تو موظفی در مقابل تمام مشکلات و سختی‌ها از آن دفاع کنی. یقین دارم که این حس قوی مهمترین نیروی محرکه در مبارزه برای آزادی وطن بزرگ و زیبای ما از بردگی سرمایه‌داری کنونی، از دام دروغ و تحقیر خواهد بود.

ادامه دارد...

<http://www.vkpb.ru/index.php/sovetskaya-istoriya/item/2451-k-60-letiyu-antistalinskogo-doklada-khrushchjova-na-xx-s-ezde>

ویراستار اولی: حسین کوشی

۱۲ خرداد - جوزا ۱۳۹۵